



گفت‌وگوی «فرهیختگان» با دکتر امیرعلی سیف‌الدین، عضو هیات علمی دانشگاه تهران

افزایش تعرفه خروج از کشور در زندگی بیش از ۹۵ درصد ایرانی‌ها بی‌تاثیر است

دولت مشخص کند منابع بودجه ۹۷ قرار است کجا هزینه شود

زمانی ۲۰ درصد و زمانی ۳۰ درصد میزان بودجه‌های جاری کشور تحت عنوان بودجه‌های عمرانی هزینه می‌شد و به واسطه این ساخت‌وسازها هم اشتغال ایجاد می‌شد و هم در اقتصاد ایران ارزش افزوده تولید شده افزایش می‌یافت. اما حالا چند سالی است که بودجه‌های عمرانی روز به روز لاغرتر و نحیف‌تر می‌شوند. تا جایی که گزارش نیست اگر بگوییم حالا فقط نامی از بودجه‌های عمرانی باقی مانده است. تورم هر ساله افزایش می‌یابد و هزینه‌های ریالی کشور تصاعدی بالا می‌رود. اقتصاد ایران اما همچنان دشوار به فروش چند صد هزار بشکه نفت خام خوش کرده است. لایحه بودجه ۹۷ نه تنها روند گذشته را ادامه می‌دهد، بلکه با افزایش درآمدهای مالیاتی و قیمت بنزین قصد دارد سالی آسان برای دولت و سالی سخت برای مردم را رقم بزند. در این راستا «فرهیختگان» در گفت‌وگویی با دکتر امیرعلی سیف‌الدین اصل، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدیر کل سابق دفتر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به بررسی لایحه بودجه ۹۷ با محوریت افزایش هزینه‌های جاری و موضوع افزایش درآمدهای مالیاتی و گران شدن قیمت بنزین و تبعات آن بر اقتصاد ایران پرداخته است. متن کامل این گفت‌وگو در ذیل می‌آید:



هزار تومان قیمت دارد. طبیعتاً افراد خاصی به این رستوران‌ها مراجعه می‌کنند و اگر از اینها مالیات و عوارض بیشتری هم گرفته شود، ایرادی ندارد.

رئیس‌جمهور طی روزهای گذشته در بخشی از سخنان خود گفته بودند که دولت باید جناب‌عالی در این زمینه چیست؟

به نظر من صحبت رئیس‌جمهور دارای تفسیر است؛ یعنی اینکه دولت قرار نیست در کارهایی که با بخش خصوصی دارد، رقابت کند. در سیاست‌های اصل ۴۴ آمده است، در کارهای اقتصادی که بخش خصوصی باید انجام دهد، دولت نباید وارد شود و این سیاست به رئیس‌جمهور اختصاصی داده شده و لازم‌الاجراست. من فکر می‌کنم منظور رئیس‌جمهور این است که دولت از نظر هزینه تمام شده خدمات باید بتواند با بخش خصوصی رقابت کند، لذا منظور خدماتی است که دولت آنها را انحصاراً ارائه می‌دهد، یعنی اگر بخش خصوصی این خدمات را ارزان‌تر انجام می‌دهد، دولت باید این خدمات را به بخش خصوصی بدهد و اگر رقابتی در بخش خصوصی وجود ندارد، آنگاه دولت چاره‌ای ندارد جز اینکه خودش این کارها را انجام دهد. به عنوان مثال اگر قرار است یک بیمارستان دولتی دو برابر بیمارستان خصوصی هزینه اداره داشته باشد، بهتر است این بیمارستان از سوی خصوصی‌ها اداره شود، بنابراین فکر می‌کنم در صحبت رئیس‌جمهور، منظور کالاهایی است که حمایت باید عرضه کند و قرار نیست دولت رقیب بخش خصوصی در کالاهای عمومی باشد و این در مساله اقتصاد مقاومتی نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

رئیس‌جمهور را شامل می‌شوند، این عوارض در زندگی شان اثری ندارد. در حقیقت این عوارض در زندگی بیش از ۹۵ درصد جمعیت کشور تأثیری ندارد و حداکثر شامل حال دو درصد از جمعیت کشور که زائران رادربر می‌گیرد می‌شود.

اگرچه این رقم به یکباره سه برابر شده، اما با توجه به جامعه هدف به نظر اصلاً ارزش صحبت کردن ندارد، زیرا اگر در موردش حرف بزنیم، حکایت همان مساله‌های است که می‌گوییم باید از اغنیای مالیات بیشتری بگیریم و به فقرا بدهیم. این هم یک نوع مالیات است و کسی که خارج می‌رود، نسبت به بقیه دارا است و ما می‌خواهیم براساس بودجه کشور از ثروتمندان پول بگیریم و به کسانی که ندارند می‌خواهد منابع حاصل از این عوارض را کجا هزینه کند؟ به نظر باید بیشتر به این مساله توجه کنیم.

اگر دولت عوارض را در مسیری خرج کرد که اغنیای دوباره غنی‌تر شده و اختلاف طبقاتی در جامعه بیشتر شود، طبیعتاً این پسندیده نیست و اگر قرار است این اتفاق بیفتد، بهتر است عوارض خروج از کشور هم افزایش نیابد، اما اگر این اقدام جهت کاهش فاصله طبقاتی در کشور است، اقدام خوبی است و ای کاش این گونه عوارض بیشتر هم گرفته شوند.

در حال حاضر عوارض خودروهای گران‌قیمتی مانند بوگاتی و پورشه که وارد به کشور می‌شود، به جای اینکه ۸۰ درصد باشد باید ۳۰ درصد باشد و در مقابل برای مردم ساده و مسکن بسازند و به سیل زده‌ها و زلزله‌زده‌ها کمک کنند. در حال حاضر در تهران رستوران‌هایی وجود دارد که هر پرس غذایی که سرو می‌کنند، بالای ۴۰۰ تا ۵۰۰

از کشور می‌روند و این تعداد قطعاً نسبت به ۸۰ میلیون نفر که در جامعه وجود دارد، به پنج تا ۶ میلیون نفر هم نمی‌رسند که از این میزان هم بخش بزرگی را زائران عتبات تشکیل می‌دهند. اما برای افرادی که به منظور سیاحت به کشورهای دیگر می‌روند، هزینه عوارض بالا رفته است که این افراد هم در مقایسه با هزینه بلیت هواپیما یا هزینه‌هایی که در طول سفر پرداخت می‌کنند، باز رقم بالایی نیست.

به عنوان مثال کسی که می‌خواهد به فرانسه و شهر پاریس سفر کند، فقط باید ۱/۵ میلیون تومان پول بلیت هواپیما بدهد. یا اگر فردی بخواهد به پکن برود، باید چهار تا پنج میلیون پول بلیت بدهد. خب طبیعتاً در این بین ۲۰۰ هزار تومان عوارض خروج از کشور رقمی نیست. از سوی دیگر عموم کسانی که سفر خارجی می‌روند، افراد متوسط به بالای جامعه هستند و قشر مرفه و دهک هفت به بالا را دربر می‌گیرند، بنابراین عوارض خروج از کشور به خصوص برای کسانی که از طریق هواپیما به سفر می‌روند وضع شده است. در مجموع هزینه عوارض رقمی نیست، زیرا افراد آنقدر ثمن مالی دارند که بتوانند آن را بپردازند.

از کشور رقمی نیست. از سوی دیگر عموم کسانی که سفر خارجی می‌روند، افراد متوسط به بالای جامعه هستند و قشر مرفه و دهک هفت به بالا را دربر می‌گیرند، بنابراین عوارض خروج از کشور به خصوص برای کسانی که از طریق هواپیما به سفر می‌روند وضع شده است. در مجموع هزینه عوارض رقمی نیست، زیرا این افراد آنقدر ثمن مالی دارند که بتوانند آن را بپردازند.

قطعاً به خاطر بهره‌وری پایینی که داریم این اتفاق می‌افتد، بنابراین وقتی قیمت بنزین افزایش یابد، هزینه حمل و نقل هم بالا رفته و موجب تورم می‌شود. راه حل این مساله این است که ما پیش از گران کردن بنزین باید سیستم حمل و نقل و سیستم‌هایی را که سوخت زیادی بیش از حد استاندارد مصرف می‌کنند، اصلاح کنیم و به جای اینکه حمل و نقل ما توسط موتور و اتومبیل‌های کوچک انجام شود که هزینه‌های حمل و نقل شان بالاست، توسط اتومبیل‌های بزرگ که هزینه حمل و نقل شان پایین است یا توسط راه‌آهن و... انجام شود. این اقدامات اگر به درستی صورت گیرد، هزینه حمل و نقل بالا نمی‌رود. در نتیجه افزایش قیمت بنزین فقط روی مساله راه مردم تأثیر می‌گذارد، به طوری که مردم تا قبل از این با اتومبیل خود به مسافرت می‌رفتند، اما بعد از این افزایش قیمت با اتوبوس سفر می‌کنند، ولی اگر این زیرساخت‌ها فراهم نشود، افزایش قیمت بنزین و گازوئیل روی اقتصاد اثر می‌گذارد و قطعاً تورم ایجاد می‌شود.

گفته می‌شود دولت در بودجه ۹۷ به دنبال این است که با اقداماتی از قبیل افزایش قیمت بنزین، درآمدهای مالیاتی، تعرفه خروج از کشور و... کسری بودجه خود را از طریق مردم تأمین کند. به نظر من این اتفاقات قدرت خرید افراد جامعه را به لحاظ درآمدی و مدیریت هزینه کاهش نمی‌دهد؟

ببینید، در مساله بودجه باید این موضوع را در نظر بگیریم که چه کسانی به رئیس‌جمهور رای داده‌اند و اولویت‌شان شامل چه مسائلی است. رئیس‌جمهور رای بسیار بالایی دارد و وظیفه‌اش این است که به رای دهندگان پاسخگو باشد، اما این را هم باید در نظر گرفت که سالانه تعدادی از افراد به خارج

برای این مساله راه‌حلی پیدا کرد. راه‌حلش این است که دولت بالاخره باید به یکی از این دو رویکرد یا سیاست تن دهد. یا سیاست مقداری را در نظر گرفته و حداقلی از مصرف بنزین را برای همه آزاد بگذارد و اگر مصرف‌کنندگان بالاتر رفت، قیمت بنزین نیز گران شود. یا اینکه از همان ابتدا تمام میزان مصرف را برای همه گران کند. البته کشورهای دیگر سیاست دیگری را در مدل‌های توسعه پایدار در پیش گرفته‌اند و آن این است که مردم اجازه دارند سهمیه آلودگی و CO2 یا سهمیه سوخت‌شان را بین یکدیگر خرید و فروش کنند، به این معنا که یکدیگر سهمیه آلودگی یا سهمیه سوخت خود را به دیگران بفروشند و آن کسی که میزان آلودگی بیشتری را به وجود می‌آورد، باید این آلودگی را از دیگران بخرد تا به آن سقف مجاز برسد. اگر این کار را نکنند، اجازه تردد به او داده نمی‌شود. قطعاً اگر ما برای گران شدن بنزین چنین امکانی را برای مردم بگذاریم، خوب است.

ممکن است بیشتر توضیح دهید؟

ببینید، به عنوان مثال ما سهمیه هر کس را ۶۰ لیتر در نظر بگیریم و بگوییم آن کسی که ۶۰ لیتر را مصرف نمی‌کند، می‌تواند سهم خودش را با نرخ آزاد و کمتر از آزاد که در بازار است به کسی که مصرف بیشتری دارد بفروشد. خب این کار، نظامی را ایجاد می‌کند و مردم سهمیه بارانه‌شان را می‌فروشند، اما تاکنون این مدل‌ها در کشور ما به دلایل مختلف پیاده نشده است. اما برخی کشورها به این سمت رفته و میزان مصرف و آلودگی‌شان را خرید و فروش می‌کنند. حتی این را تا مساله پسماندهای جامد هم برده‌اند و آن کسی که زیاده کم تولید می‌کند، می‌تواند مازاد سهمیه‌اش را به کسی که زیاده بیشتری تولید می‌کند، بفروشد.

اما اینکه گفته می‌شود افزایش مصرف بنزین باعث افزایش تورم و گرانی می‌شود، مساله درستی است. افزایش مصرف بنزین در کشور ما یک شاخص است و

همان‌طور که مستحضردید، در لایحه بودجه سال ۹۷ سخن از افزایش قیمت بنزین و سایر حامل‌های انرژی وجود دارد. در روزهای گذشته شنیده‌ها حاکی از افزایش قیمت بنزین به رقمی حدود ۱۵۰۰ تومان است. به نظر من تبعات این افزایش قیمت برای اقتصاد ایران چیست؟

در بحث بنزین دو رویکرد کلی وجود دارد که دولت‌های مختلف در ایران گاهی طرفدار این رویکرد و گاهی طرفدار آن رویکرد می‌شوند. یک رویکرد این است که کنترل مصرف مردم را براساس سیاست‌های تنظیم‌کننده و قیمت‌گذاری تنظیم می‌کنند. اما آنهایی که به سیاست‌های قیمتی معتقدند، می‌گویند هر وقت مصرف مردم بالا رفت، باید قیمت را بالا ببریم تا میزان مصرف مردم کم شود و هرگاه مصرف مردم کاهش یابد، به همان میزان قیمت کاهش یابد. طرفداران این دیدگاه از این مساله تحت عنوان نظام عرضه و تقاضا یاد می‌کنند. اما آنهایی که به سیاست‌های اعتقاد دارند، می‌گویند برای اینکه مردم در زندگی روزمره‌شان دچار آسیب نشوند، باید حداقلی از بنزین را با نرخ ثابت به همه مردم بدهیم، اما وقتی مصرف کسی از آن حداقل بالاتر رفت، نرخ فروش آن کالا را آزاد کنیم. آنها معتقدند در این صورت مطمئن هستیم که هیچ کس از گران شدن بنزین آسیب نمی‌بیند. در دولت قبلی براساس سیاست‌های مقداری عمل شد و هرکس می‌خواست از یک مقداری بیشتر مصرف کند، باید دوبرابر نرخ معمول را می‌پرداخت، اما در این دولت این قضیه حل شد و در واقع همه افراد توانستند بنزین را با یک نرخ دریافت کنند. نتیجه این امر هم این شد که مصرف بنزین بالا رفت و آلودگی‌ها افزایش یافتند. به هر حال آلودگی هوا امروز به مشکل بزرگی برای مردم شهرهای بزرگ کشور تبدیل شده و منجر به مرگ تدریجی تعداد قابل توجهی از افراد جامعه می‌شود. از آنجایی که ۷۰ درصد آلودگی هوا ناشی از خودروها است، باید

گفت‌وگو

یادداشت

جاری کشور است. به نظر می‌رسد اگر دولتی هانحوه هزینه‌کرد منابع حاصل از این طرح را به صورت شفاف‌تر بیان کرده و برای هزینه‌کرد آن به مردم گزارش دهند، اجرای آن می‌تواند با تبعات کمتر و همراهی بیشتر مردم حتی «سلبریتی‌ها» همراه شود. برای مثال اگر دولت خود را موظف کند منابع حاصل از این اقدام در پایان سال به حساب یکی از مراکز و نهادهای حمایتی واریز یا در راستای حمایت از موضوعاتی همچون «کودکان کار»، «بیماری خاص» و... مصرف شود، طبیعتاً هم جلوی هجمه‌های غیرتخصصی و خودخواهانه افراد موسوم به سلبریتی‌ها به این طرح را گرفته و هم با شفاف‌سازی در هزینه‌کرد این منابع مردم را برای گام‌های بعدی این طرح آماده کند.

به نظر می‌رسد با توجه به نیازمندی این بند از لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی و ایجاد یک جو رسانه‌ای علیه این ماده، نمایندگان مجلس تحت تأثیر فضای رسانه‌ای کشور در راستای جلب حمایت اقلیت مخالف با اجرای این طرح، یا به طور کلی با این موضوع مخالفت کرده یا میزان آن را کاهش دهند؛ موضوعی که طبیعتاً اصل این اقدام را غیراجرایی و فلسفه آن را زیر سوال خواهد برد.

موضوع دیگری که به نظر می‌رسد از ایرادات این طرح و نشان‌دهنده عدم انجام کار کارشناسی دقیق روی آن است، عدم تمایز میان کشورهای مختلف برای وضع چنین تعرفه‌ای است. برای مثال فارغ از در نظر گرفتن سفرهای زیارتی و تمایز آن با سفرهای سیاحتی، سیاست‌های تشویقی برای سفر به کشورهای مانند عراق که علاوه بر بعد زیارتی آن ترانجاری ما با آنها نیز مثبت است، می‌تواند منجر به افزایش صادرات کالاهای ایرانی به این کشورها شود. در حالی که سفر به کشورهای چون ترکیه علاوه بر خروج ارز از کشور به واسطه این سفرها، حجم و مبالغ قابل توجهی از کالاهای این کشورها را وارد کشور می‌کند که به خودی خود منجر به منفی شدن بیشتر تراز تجاری غیررسمی در کشور خواهد شد.

نگاهی به فرجام طرح افزایش خروج از کشور

آیا مجلس تحت تأثیر سلبریتی‌ها قرار می‌گیرد



مورد دیگری که در این زمینه در لایحه بودجه نیز به آن اشاره شده، نحوه هزینه‌کرد منابع حاصل شده از افزایش چند برابری عوارض خروج از کشور است. بر این اساس قرار است این منابع صرف توسعه زیرساخت‌های گردشگری کشور شود، این در حالی است که این موضوع نه تنها چندان قابلیت نظارتی از سوی مجلس نداشته، بلکه برای مردم نیز به صورت صدقانه ملموس نبوده و به گمان بخش عمده‌ای از مردم و کارشناسان صرفاً سرپوشی برای جبران بخشی از کسری موجود در بودجه

عمومی کشور به مسافرانی که از ایران خارج می‌شوند ارائه می‌دهد. حالا دولت دوازدهم با این اقدام (یعنی افزایش چند برابری عوارض خروج از کشور) صرفاً به دنبال ایجاد منبع درآمدی برای خود و کاهش احتمالی چند درصد از این سفرها است، لذا این اقدام اگرچه در ماهیت صحیح است، اما ناکافی و غیرساختاری بوده و تا زمانی که مشکل ارز مرتفع نشود، چنین تصمیماتی صرفاً موجب نارضایتی بخشی از جامعه بدون اثرات چندان مثبت خواهد بود.

گذشته همواره بنا به دلایل اقتصادی - سیاسی و کنترل قیمت‌ها در سطح بازار با ارائه سوسپید به ارز، سعی در حفظ یا ثبات نرخ آن داشته‌اند. با این حساب و در شرایط فعلی خروج هر ایرانی از کشور به قصد تفریح حتی با دلار بازار آزاد نوعی دست کردن در جیب سایر هموطنانی است که بنا به دلایلی علاقه‌ای به انجام این سفرها ندارند.

به بیان بهتر، وضعیت بازار ارز و نرخ آن در کشور به گونه‌ای است که دولت به صورت غیرمستقیم از منابع

میثم مهرپور کارشناس ارشد اقتصاد

در روزهای گذشته و بعد از تقدیم لایحه بودجه ۹۷ از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی، فضای رسانه‌ای و کارشناسی کشور شاهد تحلیل‌ها، نظرات، مخالفت‌ها و موافقت‌های احتمالی کارشناسان، اقلیت و اصناف مختلف جامعه به مفاد این لایحه بود. اگرچه به نظر می‌رسد در لایحه مزبور کاهش ۵۰ درصدی بارانه دولت به نان به‌عنوان قوت غالب مردم، حذف ۳۰ میلیون نفر از بارانه‌بگیران از دریافت بارانه، افزایش درآمد‌های مالیاتی دولت به‌رغم تداوم رکود و افزایش قیمت بنزین به رقمی نامعلوم، از مهم‌ترین مفاد اقتصادی این لایحه باشند، اما به ناکاه حجم وسیعی از رسانه‌های رسمی و غیررسمی از پایگاه‌های خبری و روزنامه‌های جریان‌های خاص تا صفحات هنرمندان و ورزشکاران و به قول امروزی‌ها «سلبریتی‌های» جامعه با تأکید بر موضوع افزایش سه تا پنج برابری عوارض خروج از کشور، از آن به‌عنوان پاشنه آشیل لایحه یاد کرده و فریاد و اسفا سردادند. نگارنده با وجود درست دانستن فلسفه این اقدام دولت در این مقال قصد دارد به بررسی ایرادات و ماهیت اتخاذ چنین تصمیمی از سوی دولت پردازد و پیشنهاداتی را در این زمینه مطرح کند.

با توجه به واکنش‌های صورت گرفته از سوی افراد نام‌آشنای جامعه به این ماده از قانون باید پذیرفت بررسی دلایل سفر سالانه بیش از ۲۰ میلیون ایرانی به کشورهای چون ترکیه، تایلند، آذربایجان، ارمنستان و... که به‌رغم وجود جذابیت‌های تفریحی، تاریخی، گردشگری و جغرافیایی کشور خودمان به قصد سیاحت و تفریح صورت می‌گیرد، نیاز به بررسی‌هایی دارد که در این مختصر نمی‌گنجد. از سوی دیگر براساس قانون اساسی و نظام عقلایی دولت نمی‌تواند برای مکان سفر مردم نحوه تفریحات تفریحی آنها قید و شرطی اتخاذ کند. اما واقعیت این است که به واسطه ساختارهای معیوب اقتصاد ایران از موجود در بازار کشور دارای قیمتی غیر واقعی بوده و دولت‌ها در طول سال‌های